انترناسیونال ۶۷۳

کاظم نیکخواه

**کشتار ٦٧ و منتظری**

دفتر حسینعلی منتظری نوار صوتی اعتراض او به اعدامهای هزاران نفره در سال ٦٧ را منتشر کرده است. این سخنان که در جلسه ای محرمانه بیان شده، بحث تازه ای را در مورد کشتار بیرحمانه هزاران زندانی سیاسی در این سال برانگیخته است. منتظری به ابعاد اعدامها اعتراض میکند و میگوید ما روی رژیم شاه را سفید کرده ایم و نام ما در تاریخ به عنوان سفاکان تاریخ ثبت خواهد شد. او خطاب به اعضای کمیته مرگ یعنی نیری، اشراقی، و پورمحمدی میگوید شما ها جنایاتی مرتکب شده اید که در تاریخ نامتان به عنوان جنایتکار ثبت خواهد شد. او به نمونه هایی از کشتار و اعدام اشاره میکند که باور نکردنی و تکان دهنده است. میگوید جوانی را اعدام کردند و خواهرش را به حبس ابد محکوم کرده بودند و وقتی این خواهر تقاضا کرد که به خاطر اینکه برادرش اعدام شده مجازات او را تخفیف دهند، دستور داده شد که او را نیز اعدام کنند. و اعدام کردند. میگوید به جوانی گفتند مجاهدین را محکوم میکنی؟ گفت آری. پرسیدند حاضری به جبهه جنگ بروی؟ جواب داد آری. پرسیدند حاضری روی مین بروی؟ گفت مگر همه مردم روی مین میروند؟ با همین سوال حکم اعدامش را صادر کردند.

هشدارها و اعتراضات منتظری محرمانه است و البته در اواخر این موج اعدام بیان شده است. یکی از همین جلادان حاضر در جلسه میگوید فقط ٢٠٠ نفر باقی مانده اند که اجازه بده ما آنها را هم اعدام کنیم و تمام میشود. آنچه از انتشار این نوار و این سخنان مهم است زنده شدن دوباره موضوع این کشتار در افکار عمومی است. اینکه شخص منتظری در این رابطه چه نقشی داشت شاید دیگر مهم نباشد. او یک سال بعد از این کشتارها از خانواده جمهوری اسلامی طرد شد و به حصر خانگی محکوم گردید. میتوان به نقش او در سر کار آوردن جمهوری اسلامی و در اعدامهای سال ٦٠ و فرموله کردن قوانین حکومت اسلامی استناد کرد و او را در کنار دیگر مرتجعین حاکم محکوم کرد. میتوان اعتراض او به اعدام مهدی هاشمی دامادش را که اولین اختلاف او با حکومت بود مد نظر گرفت و دلیل اعتراضاتش به اعدامها را به مناسبات شخصی ربط داد. و میتوان سخنانش در اعتراض به اعدامهای سال ٦٧ را در نظر گرفت و او را از همه این جنایات تبرئه کرد. او بهرحال دیگر زنده نیست تا پاسخگوی هیچکدام از اینها باشد. ابعاد اعدامهای سال ٦٧ سالهاست افشا شده است و همه کس از دامنه و چگونگی و مجریان و زوایای تاریک آن خبر دارد. در فاصله بین اوایل مرداد تا اواخر شهریور سال ٦٧ به دستور خمینی در زندانهای تهران و برخی شهرهای دیگر ایران بنا به برخی آمار ١٥ هزار نفر و بنا به برخی آمار بیش از ٥٠٠٠ نفر از جوانانی که به جرم هواداری از سازمان مجاهدین و سازمانهای چپ و کمونیست دستگیر شده بودند، بدون هیچ دادگاهی و تنها با قرار دادن چند سوال در برابر آنها بیرحمانه کشتار شدند. متاسفانه خانواده های این جوانان اعدام شده نیز بسیاری شان در گذشته اند و نتوانستند سرنگونی حکومت سفاک اسلامی را شاهد باشند.

بنابر این سوال اینست که انتشار علنی سخنان پشت پرده منتظری اکنون بعد از حدود ٣٠ سال از کشتار سال ٦٧، چه اهمیتی دارد و گویای چیست؟ پاسخ اینست که منتظری با این سخنان بهرحال کمک کرد که هیچکس از دست اندرکاران و مدافعان حکومت منفور اسلامی نتوانند در دادگاههای مردمی ابعاد جنایت و بیرحمی و خونخوار بودن بیحد و حصر جلادان حاکم و حکومتشان را انکار کنند. منتظری کمک کرد تا تک تک ما مردم عمق فاجعه و ابعاد بیرحمی و سفاکیت جلادان اسلامی نسبت به فرزندان مردم را باور کنیم و شک و تردیدی در مورد آن به خود راه ندهیم.

منتظری بیش از هرچیز نگران این بود که نام حکومت اسلامیش با نفرت همراه شود. و عمیقا چنین شده است. منتظری نگران این بود که نام خمینی در کنار هیتلر و چنگیز بعنوان سفاکترین جنایتکاران تاریخ ثبت شود. و سالهاست همه کس در ایران و درسطح جهان خمینی را بعنوان بدترین جنایتکار تاریخ میشناسد. اما طرفداران خمینی دلایل قابل فهمی برای کشتار ٦٧ و کشتار سال ٦٠ و جنایات عظیم خود علیه مردم ایران دارند: بدون این کشتارها حکومت اسلامی تاکنون صدبار توسط مردم سرنگون شده بود و به زباله دان تاریخ پرتاب شده بود. این جوهر جنایات حکومت اسلامی است.

جمهوری اسلامی از همان ابتدا با زور و جنایت و سرکوب بر جامعه ایران حاکم شده است. همین واقعیت گویای ابعاد وسیع جنبش سرنگونی در ایران است. در اعماق جامعه آرزوی قلبی مردم اینست که از شر این ماشین سرکوب و جنایت سرمایه داران مفتخور خلاص شوند.

اینکه دفتر منتظری سخنان او علیه کشتارهای سال ٦٧ را اکنون منتشر میکند، و سخنگوی دفتر خمینی و دست اندرکاران کنونی حکومت از این جنایات هرکدام به نحوی اعلام برائت میکنند و میگویند اطلاعات نادرستی به منتظری داده شده بود و ابعاد کشتار اینگونه نبود، نشان میدهد که جانیان حاکم دچار بحرانی عمیق و ترس مرگ شده اند. افشای فیشهای حقوقی نجومی شان از جانب خودیهایشان صورت گرفت. افشای کشتارهای بیحرمانه شان نیز توسط خودیهایشان صورت میگیرد. و افشای دزدیها و ثروتهای بیکرانشان نیز توسط خودیهایشان صورت میگیرد.

این افشاگریها به جنبش سرنگونی حکومت اسلامی بسیار کمک میکند. ما مردم همه این افشاگریها را برای تشدید تعرضات خود به این حکومت بکارمیگیریم. هیچ جناح و دارودسته حکومت اسلامی سرمایه داران به این دوره تعلق ندارد. حکومت اسلامی سزاوار ما مردم و هیچ بخشی از مردم نیست. یک باند و دارودسته بی نهایت قسی القلب و بی نهایت مرتجع و ضد علم و بی نهایت دزد و چپاولگر، تنها به درد این میخورد که درهم کوبیده شود و سران و دست اندرکاران آن به محاکمه کشیده شوند. این خواست قلبی اکثریت مردم ایران است و باید تلاش کنیم با جنبش گسترده انسانی و با تاکید بر خواستهای پیشرو و آزادیخواهانه، به این دوره تلخ و سیاه پایان دهیم.\*